

دوفصلنامه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی

سال ۹، شماره ۲۰، بهار و تابستان ۱۳۹۸

ارزیابی کیفی ترجمه اصطلاحات حقوق مدنی در قرآن کریم

۱- سید رضا به‌آفرین*، ۲- مسعود یزدانی مقدم**، ۳- جعفر شریفی گلریز***

۱- استادیار آموزش زبان انگلیسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران

۲- استادیار آموزش زبان انگلیسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرمسار، سمنان، ایران

۳- کارشناسی ارشد مترجمی انگلیسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۲۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۱۰)

چکیده

در ترجمه اصطلاحات حقوقی توجه به نکاتی مانند انتقال جنبه‌های معنایی، متنی و کاربردشناسی ضروری به نظر می‌رسد. بخشی از متون مقدس، مانند قرآن کریم، حاوی دستورهای است که غالباً بار حقوقی دارند و از آنجا که این گونه دستورها می‌توانند منشاء برخی سوءبرداشت‌ها از سوی خوانندگان شوند، لذا در ترجمه آن‌ها باید دقت فراوانی کرد. از جمله مهم‌ترین موضوعات حقوقی در قرآن، می‌توان به ارث، ازدواج، طلاق و غیره اشاره نمود که مردم در زندگی روزمره خود همواره با آن‌ها سروکار دارند و هر گونه ترجمه نادرست آن‌ها و عمل به مفاهیم نادرست که به دلیل علاقه شدید مردم به متون مقدس وجود دارد، می‌تواند تبعات حقوقی برای خوانندگان در پی داشته باشد. تقریباً سیصد آیه به مسائل حقوقی پرداخته‌اند. بر همین اساس، ممکن است خوانندگان غیرمتخصص ترجمه‌های قرآن و یا مترجمانی که از روی ترجمه‌های ناقص، یک ترجمه نوارائه می‌دهند، در فهم اصطلاحات حقوقی اشتباه نمایند و یا اینکه این ترجمه‌های نادرست بهانه‌ای به دست مغرضان برای به چالش کشیدن مبانی حقوقی اسلام بدهد. ارزیابی کیفی ترجمه ۳۴ نمونه از اصطلاحات حقوقی قرآن کریم در ۲۱ ترجمه نشان می‌دهد که تنها حدود ۳۴٪ از ترجمه‌ها موفق به انتقال معنای دقیق اصطلاحات حقوقی قرآن کریم شده‌اند. کسانی که می‌خواهند یک ترجمه قابل اعتماد از اصطلاحات حقوقی قرآن کریم ارائه نمایند، باید از نظرات فقها و علمای دینی و مفسران قرآن بهره‌برند و با علوم مختلف اسلامی آشنا باشند. توصیه می‌شود برای فهم بهتر اصطلاحات حقوقی قرآن کریم و جلوگیری از سوءبرداشت‌ها، تا حد امکان توضیحاتی مختصر درباره این اصطلاحات در پانوشته‌ها و یا پراشته‌ها ارائه شود.

واژگان کلیدی: ارزیابی کیفی ترجمه، ترجمه حقوقی، اصطلاحات حقوقی قرآن، آیات الأحکام.

* E-mail: parpinchy@gmail.com (نویسنده مسئول)

** E-mail: mym1300@gmail.com

*** E-mail: arsgsh@hotmail.com

مقدمه

آیات حقوقی قرآن کریم به دلیل ارتباط تنگاتنگ با نیازهای روزمره مردم و نیز آثار آن‌ها بر حیات جامعه همواره مورد توجه فقیهان و عالمان دین بوده است. رشد شگفت‌انگیز ارتباطات و آگاهی‌ها و نیز مراجعه مردم به منابع دینی برای بررسی مواضع دین در موضوعات حقوقی، مانند حقوق بشر، حقوق زنان، ارث و غیره ایجاب می‌کند تا یک ترجمه درست و دقیق از قرآن، به‌ویژه اصطلاحات حقوقی آن ارائه گردد. تبلیغات مغرضانه و استناد به قسمت‌هایی از احکام حقوقی قرآن موجب می‌شود تا راه برای کوبیدن قرآن و مبانی عقلانی حقوق اسلام هموار شود. از سویی دیگر، برخی خوانندگان قرآن که به زبان و ادبیات عرب و مبانی حقوقی اسلام آشنا نیستند، برای مطالعه کتاب آسمانی قرآن به ترجمه‌های موجود که به زبان محلی خود و یا سایر زبان‌های غیر عربی هستند، مراجعه می‌کنند و با عباراتی روبه‌رو می‌شوند که موجب برداشت نادرست ایشان از مبانی حقوقی قرآن می‌گردد. بسیاری از افراط و تفریط‌ها در جامعه اسلامی و برداشت‌های ناروا از مبانی حقوقی اسلام ناشی از انتقال نادرست اصطلاحات حقوقی قرآن در ترجمه‌های آن است.

آقای گونزالس از مترجمان مسلمان اسپانیولی زبان، به نمونه‌ای از این نوع اشتباه اشاره کرده است. بنا به نظر وی، واژگان حقوقی در هر زبانی الزامات و ویژگی‌های خاص خود را دارد و ترجمه آن‌ها باید دقیق صورت پذیرد، اما در برخی از ترجمه‌های اسپانیولی از قرآن، این دقت را مشاهده نمی‌کنیم؛ به عنوان مثال، معادل اسپانیولی «طلاق»، واژه «Divorcio» است که برخی از مترجمان به جای آن از واژه «Repudio» استفاده کرده‌اند، در حالی که طلاق در قرآن احکام متعددی دارد، ولی واژه اخیر در زبان اسپانیولی به معنای «نوعی از طلاق است که زن بدون دریافت حقوق قانونی خود از خانه بیرون انداخته می‌شود». این نوع ترجمه می‌تواند موجب برداشت نادرست خوانندگان از قرآن شود.^۱

نمونه دیگری که در به کارگیری معادل دقیق‌تر در زبان فارسی می‌توان اشاره کرد، ترجمه واژه «دین» در آیه ۱۱ سوره نساء است که در محاوره فارسی، معمولاً با کسره حرف اول «دین» و یا از جمع آن «دیون» استفاده می‌شود. معادل فارسی «دین» واژه «بدهی»

است که شامل کلیه بدهی فرد، اعم از نقدی، غیرنقدی، اموال منقول و غیرمنقول و غیره می‌شود. تعدادی از مترجمان محترم از معادل «وام» برای «دین» استفاده کرده‌اند. در زبان فارسی، معمولاً از واژه «وام» برای اشاره به بدهی مالی یک فرد به مؤسسات مالی، بانک‌ها و غیره استفاده می‌شود. رشديه معتقد است که «وام» به پولی گفته می‌شود که پیش از این دریافت شده‌است (Roshdiye, 2011: 1520). اما واژه «دین» به کل بدهی‌های یک فرد در مقابل اشخاص دیگر، مؤسسات و یا بخش‌های دولتی گفته می‌شود (Ibid: 699). بنابراین، شاید واژه «بدهی» پسندیده‌ترین معادل برای واژه «دین» در زبان فارسی باشد.

پرسش پژوهش

با توجه به مقدمه‌ای که بیان شد، می‌توان سؤال‌های زیر را مطرح کرد:

- آیا مترجمان ما (حتی آنان که سعی نموده‌اند از تفاسیر موجود برای ترجمه خود بهره ببرند)، موفق به انتقال درست اصطلاحات حقوقی شده‌اند؟
- آیا مترجمان محترم به آثار احتمالی انتقال نادرست اصطلاحات ترجمه توجه داشته‌اند؟
- آیا دانشجویان و پژوهشگران رشته‌های زبان و ادبیات عرب، علوم قرآن، فقه و حقوق، حقوق و غیره به این حوزه توجه داشته‌اند؟

پیشینه پژوهش

بسیاری از منتقدانی که به نقد ترجمه‌های قرآن پرداخته‌اند، به موضوعات غیرحقوقی توجه داشته‌اند و غالب نقدهای مربوط به ارزیابی ترجمه‌های قرآن که بالغ بر هزاران کتاب و مقاله می‌شود، در موضوعات زیبایی‌شناسی، رعایت دستور زبان و غیره بوده‌است و کمتر به ارزیابی ترجمه‌ها از نگاه حقوقی توجه شده‌است. آقای صفوی از معدود منتقدانی است که به این مسئله نگاه خاص و تخصصی داشته‌است و مقالاتی عالمانه در این زمینه تألیف

کرده است. از جمله آثار وی می‌توان به مقاله «خطاهایی در ترجمه قرآن» و مقاله «مترجمان و آیات ارث» اشاره کرد که این مقاله از آن بهره‌مند شده است.

برخی از منتقدان نیز به صورت غیرمستقیم به ارزیابی تعدادی از اصطلاحات حقوقی قرآن پرداخته‌اند؛ به عنوان نمونه، مقاله «ابهام‌شناسی در ترجمه قرآن» (ر.ک؛ جواهری، ۱۳۸۷: ۱۸۶-۲۰۱)، در حوزه‌های آوایی، واژگانی، معنایی و غیره از جمله مقالاتی است که در میان بررسی ابهامات ترجمه در قرآن، به ارزیابی ترجمه واژه «قُروء» یا همان «دوره قاعدگی» پرداخته است. این واژه به هر دو صورت «آغاز دوران قاعدگی زن» و «آغاز دوران پاکیزگی زن از قاعدگی» اطلاق شده است (ر.ک؛ جواهری، ۱۳۸۷: ۲) و تأثیر آن در بحث زمان مُجاز برای ازدواج مجدد یک زن پس از مرگ همسرش و یا طلاق از وی است که با عنوان «عدّه» از آن یاد می‌شود و آثار حقوقی در باب فرزندان، ارث و غیره دارد. با توجه به اهمیت این مسئله، در ماده ۱۱۵۱ قانون مدنی، به مبنا بودن آغاز زمان پاکیزگی زن از قاعدگی یا «طهر» اشاره شده است: «عدّه طلاق و عدّه فسخ نکاح، سه طهر است...».

۱. ترجمه اصطلاحات حقوقی

موضوعات حقوقی در هر فرهنگ و جامعه‌ای اهمیت بسیار بالایی دارد، به‌ویژه آن دسته از قوانین و مسائل حقوقی که ریشه در متون مذهبی دارند. طبعاً این قوانین به دلیل ارتباط با عقاید و باورهای مردم جایگاه مهمی در بین مردم دارند. با این حال، ترجمه اصطلاحات حقوقی فی‌نفسه مشکلات و پیچیدگی‌های خود را دارد، به نحوی که کربی - قاضی دادگاه عالی استرالیا - در تقریظ خود بر کتاب ترجمه حقوقی کائو، ضمن برشمردن مسائل مرتبط با ترجمه حقوقی برای قضات، این نوع ترجمه را در مقایسه با سایر متون، چالش‌برانگیزترین نوع ترجمه دانسته است (Cao, 2007: vi). خود کائو نیز ترجمه حقوقی را از حوزه‌های تخصصی و خاص به حساب آورده است و علت این خاص بودن را علاوه بر مهم دانستن انتقال جنبه‌های زبان‌شناسانه، ماهیت ویژه مسائل حقوقی و تبعات حقوقی و

قانونی ناشی از آن می‌داند. از نظر وی، مترجم یک متن حقوقی حتماً باید از اصطلاحات پایه حقوقی و ماهیت قوانین و زبان حقوقی و اثرات آن بر ترجمه حقوقی آگاه باشد (Ibid: 7).

برای ترجمه متون حقوقی باید ابعاد گوناگونی را مد نظر داشت که عبارتند از: آشنایی با ویژگی‌های زبانی متن که جنبه‌های بافت فرهنگی و حقوقی آن را در خود گنجانده است، آشنایی با انواع متون حقوقی که حوزه‌های خاص خود را دارند، آشنایی با اصطلاحات خاص حقوقی و واژگان این حوزه و در پایان، آشنایی با دانش عملی در این حوزه (Stolez, 2013: 56). در ترجمه متون حقوقی، حتی حروف ربط نیز مهم هستند، به طوری که توجه نکردن به آن‌ها می‌تواند منجر به ارائه ترجمه نادرستی از متن شود. بوسیاکا در مقاله خود به این موضوع پرداخته است و با مقایسه حروف «و» و «یا» در ترجمه قوانین، به امکان جایگزینی این دو حرف و مسائل مترتب بر آن اشاره کرده است (Bosiacka, 2018: 64).

در قوانین ما نیز این موضوع زمانی که برای یک مسئله چندین گزینه وجود دارد و یا برای یک جرم چندین مجازات در نظر گرفته شده است، اهمیت خود را نشان می‌دهد؛ به عنوان نمونه، برای یک جرم ممکن است گفته شود «مجازات نقدی و حبس» و یا اینکه «مجازات نقدی یا حبس» که هر دوی این عبارات بسیار با هم متفاوت هستند. مورد اول حاکی از اجرای دو مجازات برای یک مجرم است و در مورد دوم، اختیار انتخاب برای هر یک از مجازات‌ها داده شده است. آیه ۴ سوره مبارکه نساء و آیه ۳۳ سوره مبارکه مائده نمونه‌هایی از کاربرد حروف ربط هستند که در این تحقیق نیز بررسی شده‌اند.

درباره ترجمه متون حقوقی، ویژگی‌های مترجمان و لزوم کسب مهارت از سوی آن‌ها کتاب‌ها و مقالات بی‌شماری نوشته شده است. بر اساس بررسی صورت گرفته از سوی بلیدی که با کمک استادان و دانشجویان پنج دانشگاه در کشور عمان انجام شده، ۵۸٪ مشکلات ترجمه متون حقوقی ناشی از کمبود دانش حقوقی، ۴۵٪ ناشی از ناآشنایی با اصطلاحات حقوقی و ۴۲٪ مربوط به مشکلات زبان‌شناسی است (Blidi, 2018: 156).

۲. ارزیابی ترجمه اصطلاحات حقوقی

ارزیابی کیفیت ترجمه بر اساس رویکردهای متفاوتی صورت می‌گیرد که از جمله آن‌ها، رویکرد مبدأمحور است. در این روش، پس از احصای معادل‌های موجود برای واژگان، انواع انحراف از ترجمه معانی واژه‌های متن مبدأ دسته‌بندی می‌شود. در رویکرد دوم که مقصدمحور است، میزان طبیعی بودن (Naturalness) ترجمه ارزیابی می‌شود که از جمله می‌توان به بیان آسان متن، برخورداری از ساختار روان زبان مقصد و غیره اشاره کرد و در رویکرد سوم، میزان تأثیر ترجمه بر مخاطبان، اعم از مشتریان، آموزگاران، منتقدان و خوانندگان بررسی می‌شود (Williams & Chesterman, 2002: 8).

یکی از الگوهای ارزیابی کیفی ترجمه، الگوی هاوس (House) است که در سال ۱۹۹۷ ارائه شد. الگوی وی بر پایه بررسی تطبیقی متن مبدأ و متن مقصد طراحی شده بود که منجر به ارزیابی کیفی ترجمه می‌شود و ناهمگونی‌ها و یا اشتباهات را برجسته می‌کند (Munday, 2012: 140). الگوی هاوس به گفته وی، به مقایسه ویژگی‌های زبانی، فرهنگی و موقعیتی زبان مبدأ و متن مقصد می‌پردازد. او الگوی خود را مقایسه اصولی دو متن و ارزیابی میزان همانندی نسبی آن‌ها توصیف کرده است (House, 2015: 21). از نظر هاوس، «معادل‌سازی» محوری‌ترین موضوع در ارزیابی کیفی ترجمه است. وی معتقد است معادل‌سازی مقوله‌ای در ارتباط با حفظ معنی در دو فرهنگ زبانی متفاوت است. جنبه‌های سه‌گانه این حفظ معنی که ارتباط بسیار تنگاتنگی با ترجمه دارند، شامل جنبه مفهومی (Semantic aspect)، جنبه کاربردشناسی (Pragmatic aspect) و جنبه متنی (Textual aspect) می‌شود (Ibid). یکپارچگی در معنا و انسجام در ساختار و وجود رابطه معنادار با نظام حقوقی متن مقصد از دیگر شاخص‌های ارزیابی ترجمه متون حقوقی به شمار می‌آید (Bosiacka, 2018: 67).

۳. ترجمه اصطلاحات حقوقی قرآن کریم

احکام حقوقی قرآن تقریباً در همه جوامع اسلامی از دیرباز مورد توجه بوده است و به باور برخی از دانشمندان، این احکام در شکل دادن به رفتار مسلمانان از تولد تا مرگ نقش بسزایی دارند (Nassimi, 2008: 10). پیام‌های قرآن مشحون از دانش، اخلاق و موضوعات حقوقی مرتبط با مسائل روزمره زندگی و نیز حیات فکری و معنوی بشر است (Nasr & et al, 2015: 28). بنابراین، ترجمه اصطلاحات حقوقی قرآن باید با دقت و توجه فراوان صورت گیرد. آشنایی مترجمان قرآن کریم به قوانین و حقوق اسلامی از اصول مهم برای ترجمه این کتاب شریف است. تقریباً ۶۰۰ آیه از قرآن کریم (حدود ۱۰٪ از کل آیات) مربوط به احکام الهی هستند. غالب مسائل حقوقی قرآن در قالب احکام بیان شده‌اند. بر اساس دسته‌بندی صورت گرفته، حدود ۸۰ آیه به مسائل تجارت و امور مالی، ۷۰ آیه به حقوق خانواده، ۳۰ آیه به موضوعات جرم و زندان، ۲۵ آیه به حقوق بین‌الملل، ۱۳ آیه به شهادت و سوگند و ۱۰ آیه نیز به موضوعات مرتبط با قانون اساسی و اداره کشور پرداخته است (Nassimi, 2008: 10). با وجود این، تعداد دیگری از قوانین و مسائل حقوقی نیز به صورت غیرمستقیم از سایر آیات قرآن استخراج شده‌اند (Ibid).

در این مقاله، عمدتاً سعی بر این بوده است که در باب ارزیابی کیفی ترجمه اصطلاحات حقوق مدنی در حوزه حقوق خصوصی پرداخته شود. بر اساس دسته‌بندی صورت گرفته، حوزه‌های حقوق خصوصی عبارتند از: الف) احوال شخصیه (اهلیت، حجر و قیمومیت)، ب) اموال و مالکیت (مالکیت خصوصی، مالکیت عمومی، حق مالکیت زنان)، پ) عقود و قراردادها (عقود معین، دین و بدهی، عقود باطل و نذر)، ت) مسئولیت مدنی (لزوم جبران خسارت و جبران ضرر مدنی)، حقوق خانواده (ازدواج، حقوق و تکالیف خانوادگی، طلاق و انحلال ازدواج و عده)، ث) ارث و وصیت (ر.ک؛ جاویدی، ۱۳۸۹: ۲۱).

بنابراین، آیات قرآن کریم موضوعات گوناگونی را در بر می‌گیرد که ترجمه آن‌ها نیازمند برخورداری از دانش تخصصی، آشنایی با حقوق اسلام، تاریخ اسلام، شأن نزول آیات، توانمندی در زمینه ترجمه آیه به آیه، آشنایی با احادیث پیامبر^(ص) و ائمه

معصومین^(ع) است. یکی دیگر از نکات بسیار مهم تلاش برای ارائه معادلی مناسب برای اصطلاحات حقوقی قرآن کریم و یا دست کم ارائه توضیحات مختصر برای آن‌ها در پانوشت ترجمه و یا داخل پرانتز است.

آثار ارائه یک ترجمه ناقص از اصطلاحات حقوقی قرآن کریم را می‌توان به طور خلاصه اینگونه بیان کرد:

۱- انتقال نادرست اصطلاحات حقوقی قرآن و به تبع آن، نگاه حقوقی اسلام به زبان‌های دیگر.

۲- برداشت نادرست مردمانی که به مطالعه این ترجمه‌های نادرست خواهند پرداخت.

۳- تبلیغات سوء آگاهانه و یا ناآگاهانه علیه مبانی حقوقی اسلام که می‌تواند واکنش‌های نامعقول غیرمسلمانان را در پی داشته باشد.

۴- کج فهمی برخی از مسلمانان از اصطلاحات حقوقی و انجام واکنش‌های افراطی و یا تفریطی نسبت به حقوق مسلمانان و غیرمسلمانان.

۴. روش ارزیابی ترجمه اصطلاحات حقوقی قرآن

ابتدا برای مشخص شدن اصطلاحات حقوقی قرآن از دو کتاب سیمای حقوق در قرآن تألیف جاویدی و آیات/الأحكام در نظم حقوقی کنونی تألیف داریزین استفاده شد. علاوه بر این، ده‌ها مقاله، کتاب، پایان‌نامه و چند رساله دکتری بررسی شده است، لیکن تعداد ارزیابی ترجمه‌ها از منظر حقوقی بسیار اندک بود. سرانجام، ۳۴ نمونه به عنوان اصطلاحات حقوقی قرآن انتخاب و ترجمه آن‌ها در ۲۱ ترجمه شامل ۹ ترجمه فارسی و ۱۲ ترجمه انگلیسی ارزیابی شد که در این مقاله، فقط به ترجمه‌های فارسی پرداخته شده است. از آنجا که یکی از موارد مشخص‌کننده حقوقی بودن اصطلاحات انتخاب شده، وجود قوانین مرتبط با آن‌هاست، سعی شد تا قوانین مرتبط با هر یک از این اصطلاحات در قانون مدنی، قانون امور حسبی، آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و سایر قوانین

نیز در کنار نمونه‌ها ارائه شود. سپس کلیه نمونه‌ها از منظر تطبیق ترجمه با اصطلاحات حقوقی در متن مقصد بررسی و ارزیابی شدند.

۵. تعدادی از اصطلاحات حقوقی قرآن و ارزیابی ترجمه آنها

۵-۱. نمونه اول: النساء / ۱۱

﴿يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ...﴾.

«ارث» از اصطلاحات اساسی در حوزه حقوق است. آیات ۹، ۱۱، ۱۲ و ۱۷۶ سوره مبارکه نساء به تفصیل در باب ارث و سهم ورثه سخن به میان آورده است. مواد ۸۲۵-۹۴۹ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران درباره حقوق ارث است. بر اساس مفاد مواد ۸۶۱، ۸۶۲ و ۹۴۰ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، ورثه برحسب داشتن نسیت و سبیت به دو دسته کلی دارای ارتباط خونی با متوفی، مانند والدین و فرزندان و یا دارای ارتباط سببی با متوفی مانند همسر تقسیم می‌شوند. در مجموع، ورثه به سه طبقه کلی تقسیم می‌شوند^۲ که فرزندان متوفی در طبقه اول هستند و با وجود آنها، دیگران ارث نخواهند برد. البته همسر متوفی، اعم از زن یا شوهر که در عقد دائم بوده‌اند، همواره مشمول ارث خواهند بود (ر.ک؛ داریزین، ۱۳۹۴: ۸۰-۸۱). همچنین، مواد ۸۶۴، ۸۹۲، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۵، ۹۱۳، ۹۲۷، ۹۳۷، ۹۳۸ و ۹۴۱ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران به تفصیل در باب ارث بردن زوجین از یکدیگر سخن گفته‌اند.

یکی از مواردی که برخی از مترجمان محترم قرآن کریم در انتخاب معادل آن دقت کافی به خرج نداده‌اند، واژه «نساء» در عبارت «فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً» است. واژه «نساء» در این آیه به «دختران متوفی» اشاره دارد و منظور این است که متوفی فقط فرزند یا فرزندان دختر از خود به جای گذاشته، لذا سهم الارث آنان مشخص است. در اینجا با چند نوع معادل‌گزینی مواجه هستیم. گروه اول کسانی هستند که برای واژه «نساء» معادل تحت‌اللفظی آن یعنی «زنان» را انتخاب کرده‌اند. گروه دوم کسانی هستند که با ارائه عبارت «همه ورثه دختر

باشند»، از سایر ورثه طبقه اول، مانند والدین و همسر متوفی غفلت کرده‌اند. لذا این طور تصور کرده‌اند که منظور از این آیه آن است که متوفی وارث دیگری ندارد و فقط دختران وی ورثه او هستند (ر.ک؛ صفوی، ۱۳۸۶: ۴۶-۶۱). علامه طباطبایی معتقد است که ضمیر شخصی مستتر در واژه «کُنَّ» به فرزندان متوفی در عبارت «أَوْلَادُكُمْ» اشاره می‌کند (ر.ک؛ طباطبائی، بی تا، ج ۴: ۳۲۹). مودودی (۱۹۷۲م.) نیز در ترجمه تفسیری خود به همین مطلب اشاره داشته‌است. بر اساس گفته وی، عبارت قرآنی «فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً» به این معناست که اگر متوفی از خود فرزند ذکور نداشته باشد و فقط صاحب فرزند دختر باشد، اعم از دو دختر و یا بیشتر، آن‌ها دوسوم ارث را خواهند برد. ضمن اینکه در عبارت «همه ورثه دختر باشند»، یا «همه ورثه زن باشند»، این نکته نیز وجود دارد که واژه‌های «دختر» یا «زن» از واژه‌های عام است و کل ورثه مؤنث، مانند خواهرزاده‌ها و غیره را در بر می‌گیرند.

ترجمه دقیق‌تر این بخش از آیه ۱۱ سوره نساء به این شکل خواهد بود:

«خداوند درباره فرزندانان به شما سفارش می‌کند؛ یعنی این حکم را تشریح می‌کند که سهم فرزندان ذکورتان از میراث شما همانند سهم دو دختر از فرزندان شماست. این در صورتی است که فرزندانان دختر و پسر باشند، ولی اگر آنان (یعنی فرزندانان) همه دختر بودند، دوسوم آنچه متوفی بر جای نهاده، ملک ایشان است» (صفوی، ۱۳۸۶: ۴۷).

در ماده ۹۰۹ قانون مدنی در ارتباط با این موضوع آمده‌است: «هرگاه پدر یا مادر متوفی یا هر دو ابوی او موجود باشند، با فرض چند دختر، فرض تمام دخترها دوثلث ترکه خواهد بود...».

۱-۱-۵. نمونه ترجمه‌های مرتبط با نمونه اول (النساء/۱۱)

مترجم	... فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً...	مترجم
بهرامپور	... پس اگر [وارثان]، دخترانی...	فولادوند
حداد عادل	... و اگر فرزندان (همه) دختر...	گرمارودی
مکارم شیرازی	... و اگر فرزندان شما، (دو دختر)	خرمشاهی
صفارزاده	... و اگر همه فرزندان دختر	مجتبوی
	...	الهی قمشاهی

۲-۱-۵. نتیجه ارزیابی کیفی ترجمه نمونه اول (النساء / ۱۱)

همان گونه که مشاهده می‌شود، فقط ترجمه‌های حداد عادل، مکارم شیرازی و صفارزاده موفق به انتخاب معادل دقیق برای این موضوع شده‌اند و سایر ترجمه‌ها با افزودن عبارات و یا واژه‌هایی مانند «همه ورثه»، «وارثان» و غیره نتوانسته‌اند معادل حقوقی مناسبی را ارائه نمایند. بنابراین، در ترجمه این مفهوم، از حیث انتخاب معادل مناسب، حدود ۳۳٪ موفقیت حاصل شده است.

۲-۵. نمونه دوم: البقره / ۲۳۷

﴿وَإِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَ قَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْتُونَ أَوْ يَعْفُوَ الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ ...﴾

یکی دیگر از اصطلاحات حقوقی قرآن، مسئله اختیار در ازدواج است. در این آیه به صورت کلی اشاره شده که هر کس اختیار عقد نکاح در اختیار اوست (الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ)، می‌تواند نصف مهریه را ببخشد. برخی از مترجمان در ارائه معادل برای این مفهوم حقوقی ناموفق بوده‌اند. تعدادی از مترجمان بدون اشاره به این موضوع، عبارت مورد اشاره را واژه به واژه ترجمه کرده‌اند که ممکن است برخی افراد تصور کنند که منظور از کسی که عقد نکاح به دست اوست، عاقد یا دفاتر ثبت طلاق و ازدواج و امثال این‌ها باشند.

علامه طباطبایی معتقد است: «در مسئله نکاح، سه نفر اختیار عقد را به دست دارند: یکی زن و دوم ولی زن و سوم شوهر» (طباطبایی، بی تا، ج ۲: ۳۶۸). برخی از مترجمان فقط به یکی از این افراد، مانند شوهر یا قیم و غیره اشاره نموده‌اند. در مواد ۱۰۴۱، ۱۰۴۳ و ۱۰۹۲ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران نیز افراد مورد اشاره در این آیه مشخص شده‌است.

در ماده ۱۰۴۱ به موضوع اذن ولی چنین اشاره گردیده‌است: «عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام شمسی منوط است به "اذن ولی" به شرط مصلحت با تشخیص دادگاه صالح» (مصوب ۱۳۷۹/۹/۲۷). در ماده ۱۰۴۳، موضوع اجازه پدر یا جد پدری آمده‌است و در ماده ۱۰۹۲ نیز غیرمستقیم به اختیارات شوهر در این زمینه اشاره شده‌است.

۵-۲-۱ نمونه ترجمه‌های مرتبط با نمونه دوم (البقره / ۲۳۷)

مترجم	الَّذِي يَدِينُهُ عَقْدُ النِّكَاحِ		مترجم
بهرامپور	کسی که امر ازدواج به دست اوست	کسی که پیوند نکاح به دست اوست	فولادوند
حداد عادل	آن کس که اختیار ازدواج به دست اوست	آن کس که رشته ازدواج در کف اوست	گرمارودی
مکرم شیرازی	ولی آنها، یعنی آن کس که گره ازدواج به دست اوست	کسی که سررشته نکاح در دست اوست	خرمشاهی
صفارزاده	قیم و والدین زن	کسی که گره زناشویی به دست اوست	مجتبوی
	...	کسی که عقد نکاح آنها به دست اوست	الهی قمشه‌ای

۲-۲-۵. نتیجه ارزیابی کیفی ترجمه نمونه دوم (البقره/۲۳۷)

تقریباً هیچ یک از نمونه‌ها معادل مناسبی برای این بخش از آیه ۲۳۷ سوره بقره، یعنی ﴿الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ﴾ ارائه نکرده است و ترجمه‌های مکارم شیرازی و صفارزاده با انتخاب معادل‌هایی مانند «قیم»، «ولی» و «والدین زن» به عنوان «کسی که اختیار عقد نکاح در دست اوست» تا حدودی موفق به انتقال مفهوم حقوقی این بخش از آیه شده‌اند. ترجمه حداد عادل نیز با آوردن عبارت «کسی که اختیار ازدواج به دست اوست»، غیرمستقیم به این موضوع اشاره کرده است. بنابراین، در ترجمه این مفهوم از حیث انتخاب معادل مناسب، با اغماض می‌توان گفت حدود ۲۳٪ موفقیت حاصل شده است.

۳-۵. نمونه سوم: الطلاق / ۲

﴿...وَأَشْهَدُوا ذَوَىٰ عَدْلٍ مِّنكُمْ...﴾

یکی دیگر از اصطلاحات حقوقی قرآن، مسئله شهادت در موقعیت‌های مختلفی مانند طلاق است. در این آیه، به شهادت «دو مرد» اشاره شده است، در حالی که برخی مترجمان در انتخاب معادل به معنا و منظور آیه توجه ننموده‌اند و آن را به «دو نفر»، «دو شخص» و غیره ترجمه کرده‌اند. مودودی (۱۹۷۲م.) در ترجمه تفسیری خود از قرآن به نقل از ابن عباس گفته است که این آیه اشاره به شهادت دو مرد در طلاق و سازش دارد. همچنین، وی معتقد است که آیه ۳ سوره طلاق که در ارتباط با ترس از خداست، بر رعایت احکام سنت، یعنی شاهد گرفتن دو مرد برای از سرگیری زندگی زناشویی تأکید دارد (ر.ک؛ همان). عبارت «ذَوَىٰ عَدْلٍ» نشان می‌دهد که شاهدان باید مسلمان، عادل و مذکر باشند. همچنین، علامه طباطبایی در تفسیر خود به همین موضوع اشاره می‌کند که «أَشْهَدُوا ذَوَىٰ عَدْلٍ مِّنكُمْ»، یعنی دو نفر مرد عادل از خودتان شاهد بر طلاق بگیرید (طباطبایی، بی‌تا، ج ۱۹: ۵۲۶). در ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی نیز در این زمینه آمده است: «طلاق باید به صیغه طلاق و در حضور لااقل "دو نفر مرد" عادل که طلاق را بشنوند، واقع گردد».

۵-۳-۱. نمونه ترجمه‌های مرتبط با نمونه سوم (الطلاق / ۲)

مترجم	أَشْهَدُوا ذَوَىٰ عَدْلٍ مِّنكُمْ		مترجم
فولادوند	دو تن [مرد]	دو تن	بهرام‌پور
گرمارودی	دو تن	دو شخص	حداد عادل
خرمشاهی	دو	دو مرد	مکارم شیرازی
مجتبوی	دو تن	دو نفر	صفارزاده
الهی قمشه‌ای	دو مرد		

۵-۳-۲. نتیجه ارزیابی کیفی ترجمه نمونه سوم (الطلاق / ۲)

همان گونه که مشاهده می‌شود، ترجمه‌های فولادوند، الهی قمشه‌ای و مکارم شیرازی موفق به ارائه معادل مناسب حقوقی برای این بخش از آیه ۲ سوره طلاق، یعنی «أَشْهَدُوا ذَوَىٰ عَدْلٍ مِّنكُمْ» شده‌اند. بنابراین، در ترجمه این مفهوم از حیث انتخاب معادل مناسب، حدود ۳۳٪ موفقیت حاصل شده‌است.

۶. جدول کلی ۳۴ نمونه از اصطلاحات حقوقی قرآن و درصد انتقال اصطلاحات در ترجمه‌ها

ردیف	عبارت قرآنی (سوره / آیه)	موضوع	درصد
۱	فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً (النساء / ۱۱).	ارث	۱۴
۲	وَوَرِثَهُ أَبَوَاهُ (النساء / ۱۱).	ارث	۱۴
۳	مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ (النساء / ۱۱).	ارث	۴.۷
۴	مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ غَيْرِ مُضَارٍّ (النساء / ۱۲).	ارث	۴.۷

۳۸	عده برای ازدواج	ثَلَاثَةٌ قُرُوءٍ (البقره / ۲۲۸).	۵
۱۴.۲	دادن اموال ایتام	وَأَتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ (النساء / ۲).	۶
۰	بلوغ ایتام	وَابْتَلُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ... رُشْدًا (النساء / ۶).	۷
۹۰.۴	نفقه ایتام متوفی	وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ (البقره / ۲۳۳).	۸
۱۹	ازدواج مجدد	مَتْنَىٰ وَثَلَاثَ وَرَبَاعَ (النساء / ۳).	۹
۰	سلطه اجانب	أَتَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ (المائده / ۵۱).	۱۰
۴۷.۶	ازدواج موقت	فَمَا اسْتَمْتَعْتُم (النساء / ۲۴).	۱۱
۰	ربا	أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً (آل عمران / ۱۳۰).	۱۲
۹.۵	حقوق زنان	اضْرِبُوهُنَّ (النساء / ۳۴).	۱۳
۱۰۰	شهادت و گواهی	وَاسْتَشْهِدُوا شَهِدَيْنِ... فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ (البقره / ۲۸۲).	۱۴
۴۷.۶	ارث	وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ (الأحزاب / ۶).	۱۵
۱۰۰	تجارت	وَلَا تَنْفُسُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ (هود / ۸۴).	۱۶
۰	محاربه	أَنْ يُقْتَلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُنَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ (المائده / ۳۳).	۱۷
۴.۷	حجاب	وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ... وَلِيُضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ... (النور / ۳۱).	۱۸
۱۰۰	زکات / صدقات	إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ... وَأَبْنِ السَّبِيلِ (التوبه / ۶۰).	۱۹
۶۶.۷۲	عده وفات	وَالَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنكُمُ وَيَدْرُونَ أَرْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ (البقره / ۲۳۷).	۲۰
۸۶.۷	عده ازدواج مجدد	وَلَا تَزِمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْكِتَابَ أَجَلَهُ (البقره / ۲۳۵).	۲۱
۳۳.۳	شهادت در طلاق	أَشْهَدُوا ذَوَىٰ عَدْلٍ مِّنكُمْ (الطلاق / ۲).	۲۲
۸۵.۷	ارث	وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُن لَّهُنَّ وَلَدٌ (النساء / ۱۲).	۲۳
۶۷	بدهی و دین	إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدَيْنٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ (البقره / ۲۸۲).	۲۴
۶۶.۷	بدهی و دین	مِن بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ (النساء / ۱۱).	۲۵

۱۹	حقوق ایتام	فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ (النساء/ ۶).	۲۶
۵	ازدواج با دو خواهر	وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ (النساء/ ۲۳).	۲۷
۰	ازدواج با مشرک	وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ... (النساء/ ۲۲۱).	۲۸
۵۲.۴	طلاق زن باکره	وَإِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ (البقره/ ۲۳۷).	۲۹
۱۵	ولایت در ازدواج	الَّذِي يَبْدِيهِ عَقْدَةُ النِّكَاحِ (البقره/ ۲۳۷).	۳۰
۰	ریاست خانواده	الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ (النساء/ ۳۴).	۳۱
۶۶.۶	ارتشاء	وَتَذَلُّوا بِهَا إِلَى الْحُكَامِ (البقره/ ۱۸۸).	۳۲
۱۰۰	عدالت	وَتَقْسَطُوا إِلَيْهِمْ (الممتحنه/ ۸).	۳۳
۹.۵	حقوق زنان در طلاق	وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لَتَعْتَدُوا (البقره/ ۲۳۱).	۳۴

نتیجه گیری

ترجمه قرآن کریم کاری بس دشوار و نیازمند تبخّر در حوزه‌های متعدد است. هر چند برخی از دانشمندان و عالمان در باب ترجمه‌پذیری قرآن کریم همواره با تردید نگاه کرده‌اند، اما بسیاری دیگر نیز این کار را ممکن، اما ویژگی‌هایی برای آن بر شمرده‌اند. تجربه ترجمه‌های قرآن برخی را بر این باور داشته که برای انتقال مناسب کلیه جنبه‌های قرآن کریم، اعم از اصطلاحات حقوقی، مسائل زیبایی‌شناختی، مسائل زبان‌شناسی و غیره لازم است تا کار ترجمه قرآن و یا بازنگری ترجمه‌های موجود به صورت گروهی، مانند ترکیبی از متخصصان قرآنی، زبان‌شناسان و مترجمان حرفه‌ای (ر.ک؛ نجفی، ۱۳۸۴: ۹۳-۱۱۶)، از سوی یک شورای مذهبی با نظارت کنفرانس اسلامی (السهلی و الوهیبی، ۱۳۸۶: ۱۲۵)، یک گروه سه نفره، مرکب از یک مفسر مسلمان عرب به همراه یک مترجم عرب مادرزاد و مسلط به زبان مقصد و یک مترجم مادرزاد در زبان مقصد و مسلط به قرآن و زبان عربی (Al-Jabari, 2008: 239-240) انجام شود.

ارزیابی کیفی ترجمه ۳۴ مفهوم حقوقی قرآن نشان می‌دهد که تقریباً دوسوم مترجمان به موضوعات حقوقی و انتقال اصطلاحات آن به زبان مقصد توجه کافی ندارند. ویژگی‌های آیات الأحکام قرآن، کار ترجمه آن‌ها را دشوار می‌کند و باید مترجمان در این زمینه به کسب مهارت‌های متعدد بپردازند و مسلط باشند (Nassimi, 2008: 121). شاید مهم‌ترین اشکال را در کار مترجمان باید ناشی از طبقه‌بندی نشدن آیات قبل از ترجمه و مطالعه آن‌ها برشمرد. اگر چنانچه مترجمان، آیات قرآن را مطابق با موضوعات آن دسته‌بندی نمایند، ناگزیر یکی از این دسته‌بندی‌ها، اصطلاحات و مباحث حقوقی قرآن خواهد بود که مترجمان را مجاب می‌نماید تا برای ترجمه آن‌ها به متخصصان حوزه حقوق مراجعه و یا دست کم آرای فقهی و حقوقی را در این زمینه مد نظر قرار دهند. انواع اشکالاتی که در ترجمه اصطلاحات حقوقی می‌توان برشمرد، عبارتند از: نداشتن یک نگاه ویژه به آیات الأحکام، کم‌توجهی به آثار ترجمه نادرست اصطلاحات حقوقی، کم‌توجهی به نکته‌های ظریف زبانی، مانند حروف ربط که در نمونه‌های ۹ و ۱۷ به آن‌ها پرداخته شد، کم‌توجهی به کاربردشناسی اصطلاحات حقوقی، مانند نمونه شماره ۶ که به موضوع دادن اموال یتیمان پس از بلوغ آن‌ها می‌پردازد، کم‌توجهی به انتقال سطح معنایی اصطلاحات حقوقی، مانند نمونه ۱۲ که در آن به مسئله رباخواری پرداخته شده که هر نوع آن خلاف قانون است، لیکن برخی از ترجمه‌ها طوری بیان شده که گویی بخشی از ربا فاقد مشکل و مقدار زیاد آن جرم محسوب می‌شود!

ارائه پانویس در باب مسائل حقوقی قرآن از جمله روش‌های مناسبی است که مورد تأکید برخی دانشمندان این حوزه نیز قرار گرفته است. به زعم این منتقدان، ارائه توضیحات در پانویس برای آشنایی خواننده با جنبه‌های مختلف قرآن ضروری است (Nassimi, 2008: 72). اگرچه باید این نکته را نیز همواره به خاطر داشت که اضافه کردن این گونه توضیحات باید در حد اعتدال باشد و نباید یکدستی معنی متن را به خطر اندازد (Yaqub, 2014: 240).

از اصطلاحات حقوقی بحث‌برانگیز قرآن می‌توان به آیه ۳۴ سوره مبارکه نساء و بحث نشوز و عبارت «وَاضْرِبُوهُنَّ» اشاره کرد که در نمونه ۱۳ به آن پرداخته شده است. در ترجمه این آیه، برخی مترجمان مانند حداد عادل به درستی موضوع حقوقی را متوجه شده، به طوری که در پانویس ترجمه خود بیان نموده که برخی معتقدند اصولاً اجرای این حکم «بر عهده محکمه و حاکم شرع» است. همچنین، نیک آیین در پانویس ترجمه انگلیسی خود از این آیه به قانون قصاص در صورت هر گونه ایراد جراحت و غیره اشاره کرده است (Nikayin, 2000: 84). شاید بتوان این آیه را یکی از نمونه‌های اوج حساسیت اصطلاحات حقوقی در قرآن و ضرورت توجه به مسائل حقوقی قرآن و مراجعه به متخصصان و فقهای گرانقدر به شمار آورد. در قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران نیز که به وسیله فقیهان و مجتهدان برجسته تدوین شده، هیچ ماده‌ای نیامده است که اختیار این کار را به شوهر بدهد و این حاکی از تیزی و آینده‌نگری ایشان می‌باشد. مواد ۱۰۸۵، ۱۱۰۸ و ۱۱۰۹ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران به موضوع ایفای وظیفه نکردن زن در برابر شوهر اشاره نموده، مطالبی درباره پرداختن یا نپرداختن نفقه در این زمینه بیان کرده است.

از دیگر مشکلات مترجمان را می‌توان کم‌توجهی آنان به نقش ضمائر جنسیتی در ترجمه‌ها دانست، مانند آنچه که در نمونه ۲۳ رخ داده است و این خود می‌تواند تبعات حقوقی به همراه داشته باشد. معمولاً در زبان فارسی از واژه «همسر» برای اشاره به شوهر و یا زن استفاده می‌شود، در حالی که در زبان عربی، ضمائر متفاوت برای آن‌ها به کار می‌رود. در آیه ۱۲ سوره مبارکه بقره بیان شده است که نصف دارایی زنان شما در صورت نداشتن فرزند به شما (= شوهران) ارث می‌رسد. برخی از مترجمان به جای واژه «زن» از واژه «همسر» استفاده کرده‌اند و تفاوت این دو موضوع در بحث ارث کاملاً روشن است. سایر موارد، مانند سرپرستی یتیمان و میزان و نحوه مصرف اموال آنان برای انجام این کار، موضوع نگهداری عده در ازدواج مجدد و طلاق، بلوغ ایتام، ازدواج با زنان و مردان مشرک، تکلیف نفقه زنان باردار و فرزندان آنان پس از موت همسر، شرایط مهریه قبل از انجام امور زناشویی و بعد از آن، مفهوم حقوقی ریاست شوهر بر زن، مسئله حجاب، شهادت زنان در مسائل حقوقی و قضایی، انجام وصیت و کسر دیون و بدهی متوفی و

یک سوم ارث و پرداخت سهم الارث ورثه بلافاصله پس از موت و غیره همگی از مباحث حقوقی قرآن کریم هستند که ترجمه آن‌ها باید با توجه به ظرافت‌های مربوط انجام شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. مصاحبه با ایکنا، «جعفر گونزالس؛ مترجم قرآن از دیار مادرید».
۲. در مقایسه بین قوانین ارث در شیعه و سنی مشاهده می‌کنیم که بسیاری از افراد دسته‌بندی شده در مذهب اهل تسنن، در همان سه طبقه قانون شیعه در ارث قرار گرفته‌اند و تنها تفاوت شیعه و سنی در این زمینه، در محاسبه مقدار سهم ورثه است (Cheema, 2012: 79-80).

منابع

قرآن کریم

- الهی قمشه‌ای، مهدی. (۱۳۸۱). *ترجمه قرآن کریم*. تهران: انتشارات اسلامی.
- السہلی عبداللہ بن سعد و خالد بن محمد الوہیبی. (۱۳۸۶). «نمونه‌هایی از اشکالات موجود در برخی از ترجمه‌های قرآن کریم به زبان انگلیسی». ترجمه یعقوب جعفری. *ترجمان وحی*. س ۸ ش ۲ (پیاپی ۲۲). صص ۱۰۹-۱۲۸.
- بهرام‌پور، ابوالفضل. (۱۳۸۷). *ترجمه قرآن کریم*. تهران: انتشارات سبحان.
- جاویدی، مجتبی. (۱۳۸۹). *سیمای حقوق در قرآن*. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- جوهری، سید محمدحسن. (۱۳۸۷). «ابہام‌شناسی در ترجمه قرآن». *پژوهش‌های قرآنی*. د ۱۴ ش ۵۳. صص ۱۸۶-۲۰۱.
- حداد عادل، غلامعلی. (۱۳۹۱). *ترجمه قرآن کریم*. تهران: انتشارات آستان قدس رضوی (به‌نشر).

- خرم‌شاهی، بهاء‌الدین. (۱۳۸۶). *ترجمه قرآن کریم*. اصفهان: مرکز تحقیقات کامپیوتر اصفهان (انتشارات دیجیتال).
- داریزین، حسین. (۱۳۹۴). *آیات الأحکام در نظم حقوقی کنونی*. تهران: انتشارات بهنامی.
- صفا زاده، طاهره. (۱۳۸۱). *ترجمه قرآن کریم*. تهران: انتشارات سوره مهر.
- صفوی، سید محمدرضا. (۱۳۸۵). «خطاهایی در ترجمه قرآن». *بینات*. س ۱۳. ج ۴۹-۵۰. صص ۲۳۰-۲۵۳.
- _____ (۱۳۸۶). «ترجمان و آیات ارث». *ترجمان وحی*. س ۱۱. ش ۲. صص ۴۶-۶۱.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (بی تا). *ترجمه تفسیر المیزان*. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه (انتشارات دیجیتال، بر اساس نسخه چاپی انتشارات دارالعلم قم).
- فولادوند، محمدمهدی. (۱۳۸۸). *ترجمه قرآن کریم*. اصفهان: مرکز تحقیقات کامپیوتر اصفهان (انتشارات دیجیتال).
- موسوی گرمارودی، سیدعلی. (۱۳۸۷). *ترجمه قرآن کریم*. اصفهان: مرکز تحقیقات کامپیوتر اصفهان (انتشارات دیجیتال).
- مجتبوی، جلال‌الدین. (۱۳۸۸). *ترجمه قرآن کریم*. اصفهان: مرکز تحقیقات کامپیوتر اصفهان (انتشارات دیجیتال).
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۰). *ترجمه قرآن کریم*. اصفهان: مرکز تحقیقات کامپیوتر اصفهان (انتشارات دیجیتال).
- نجفی نوری، سیدشمس‌الدین. (۱۳۸۴). «نقدی گذرا بر نمونه‌هایی از ترجمه انگلیسی قرآن کریم». *مجله دانشکده علوم انسانی، دانشگاه امام حسین (ع)*. س ۱۴. ش ۵۸. صص ۹۳-۱۱۶.

Al-Jabari, R. (2008). *Reasons for the Possible Incomprehensibility of Some Verses of Three Translations of the Meaning of the Holy Qur'an into English*. Doctoral dissertation. Salford, UK: University of Salford; Retrieved from: <http://usir.salford.ac.uk/14918/1/494753.pdf>.

- Blidi, S. (2018). "Linguistic and Domain Driven Knowledge Deficiency in Legal Translation". *International Journal of Sciences and Research*. Vol. 74. No. 3/1; DOI: 10.21506/j.ponte.2018.3.11.
- Bosiacka, A. J. (2018). "Theoretical and Logical Prerequisites for Legal Translation". *International Journal of Language and Law, ILL7*; DOI:10.14762/jll.2018.047.
- Cao, D. (2007). *Translating Law*. Adobe Reader Digital Version. Retrieved from:
<http://www.multilingual-matters.com/display.asp?K=9781853599545>.
- Cheema, S.A. (2012). "Shia and Sunni Laws of Inheritance: A Comparative Analysis". *Pakistan Journal of Islamic Research*. Vol 10. Retrieved from:
<http://www.bzu.edu.pk/PJIR/vol10/eng/Shahbaz/Cheema/2004-11-13.pdf>.
- House, J. (2015). *Translation Quality Assessment: Past and Present*. Adobe Reader Digital Version. Retrieved from:
<http://www.translationindustry.ir/Uploads/Pdf/TranslationQualityAssessment.pdf>.
- Hussain, A. (2016). *Islamic Laws of Inheritance*. Retrieved from:
<http://www.islam101.com/sociology/inheritance.htm>.
- Maududi, S.A.A. (1972). *Tafhim al-Qur'an- the Meaning of the Qur'an*. Retrieved from:
<http://www.englishtafsir.com/Qur'an>.
- Munday, J. (2012). *Introducing Translation Studies: Theories and Applications*. 3rd Ed. London and New York: Routledge.
- Nasr, S.H. et al. (2015). *The Study Quran*. New York: Harper Collins Publishers Inc.
- Nassimi, D. M. (2008). *A Thematic Comparative Review of Some English Translations of the Qur'an*. Doctoral dissertation. Birmingham, England: the University of Birmingham. Retrieved from:
<https://core.ac.uk/download/pdf/1631099.pdf>
- Nikayin, F. (2000). *The Qur'an: A Poetic Translation from the Original*. Illinois: The Ultimate Book, Inc.
- Roshdiye, H. (2011). *A Descriptive and Comparative Dictionary of Law*. Vols.1-2. Tehran: Nourbakhsh.
- Saffar Zadeh, Tahereh. (2002). *The Holy Quran: English & Persian Translation with Commentary*. Tehran: The Soreh-Mehr- Publishing Co.
- Stolez, R. (2013). "The Legal Translator's Approach to Texts". *Humanities*. Vol. 2. Pp. 56-71; DOI: 10.3390/h2010056. Retrieved from:
<http://www.mdpi.com/2076-0787/2/1/56/html>.
- Williams, J. and Chesterman, A. (2002). *The Map: A Beginner's Guide to Doing Research in Translation Studies*. Manchester: St. Jerome Publishing.

- Yaqub, M.O. (2014). "Text-Types, Translation Types and Translation Assessment: A Case Study of Chapter 112 of the Holy Quran in Rodwell, Al-Hilali and Khan's Translation". *International Journal of Humanities and Social Science*. Vol. 4. No. 8 (1). Retrieved from: http://www.ijhssnet.com/journals/Vol_4_No_8_1_June_2014/25.pdf.

